

بقلم : آقای دکتر ابوتراب رازانی

نثر در عصر ما

(۲)

خصوصیات نثر نوین - سبکی که هم اکنون در نگاشتن آثار فکری فارسی زبانان بتقلید روزنامه ها و باتکاء مضامین و افکار تازه ای که از ترجمه آثار مغرب زمینی ها رواج یافته متداول و مایه الابتلای روزانه همه ماهاست خصوصیات متعددی دارد که بطور اختصار تحت عناوینی بدین شرح از آن یاد میکنیم :

۱- رواج یافتن بسیاری از لغات فرنگی که همه از عارف و عامی بدان خو گرفته و در محاورات و نوشته های خویش از صبح تا شام بکار میبرند و بعضی قسمتی از آن را در شمار واژه های فارسی بحساب میآورند همه در مکالمات عادی مردم پیوسته با لغاتی مانند :

مرسی ، فامیل ، افه ، ایده آل ، رل ، تآتر ، سینما ، میسیون ، کمسیون ، رستوران ، کافه ، لقانطه ، بار ، کلکسیون ، آلاگارسون ، فر ، اشل ، تلگراف ، تلفن ، پست ، میکرب ، رفوزه ، پن ، ژشت ، سور ، کوپن ، آپاندیس ، تیفوس ، تیفوئید ، مالاریا ، آنفلونزا ، گریپ ، اونیورسیتیه ، سرویس ، فوتبال ، والیبال ، باسکتبال ، بیس بال ، تنیس ، رب دو شامبر ، انستیتو ، پیژامه ، اپل ، فکل ، کراوات ، پاپیون ، دمو کراسی ، دیکتاتوری ، پارلمان ، سنا ، فیدل ، ژولی ، پاپا ، ماما ، رز و ده ها لغت دیگر بر میخوریم و خود نیز بکار میبریم و اگر کسی بدانها توجه نداشته و از بکار بردن آنان سرپیچی کند بی پرسنپ و بی تمدن و بی سوادش میخوانیم اتفاقاً علیرغم این واژه ها که تعمیم و با زمان ما آمیزش نزدیک یافته کسانی سابقه فرنگ رفتگی و تظاهر بدانستن زبانهای بیگانه لغات دور از ذهن بسیاری چون :

نرو، د کوراژه، دژنره، ژانتیل، سیویلیزه، سریو، دکارانی، انفلاسیون، کوپراتیو، سانکسیون، ساری، آتانسیون، گو، بو، فینس، بوفرنند و بسیاری لغت دیگر بر زبان میرانند و از آوردن آن مباحثها دارند....

۲- پیروی از صرف و نحو بیگانه در طرز جمله بندی بطوریکه برخلاف روش فارسی و نوشته های کنونی فعل را بر فاعل و مفعول و سایر اجزاء جمله مقدم میسازند و در ترجمه عیناً اصول تحت اللفظی را مراعات میکنند و جملاتی چون: «آفتاب میروود غروب کند» حمام گرفتن و ترکیبات عجیب دیگر بکار میبرند و از تعبیرات مخصوص زبان ملی بتقلید خصوصیات زبانهای غربی چشم می پوشند چنانکه خود شنیدیم که کسی به بیماری میگفت: آیا مسهل گرفته ای؟....

۳- رواج ادات تعجب و سؤال و علامات حیرت و افسوس و ندا که چندان در زبان فارسی مورد استعمال ندارد و نویسندگان سلف در چنین مواردی با کلمه دریغ یا دریغا، آوخ، زنهار، افسوس، فسوسا، مقصود را گفته و میگذشتند و اینک با «آه» و «اه» و «اوه» و جملاتی چون: ای دوست بیچاره من و گذاشتن چند علامت تعجب و استفهام و بکار بردن نقطه بسیار و درشت تر نوشتن واژه یا جملات مورد بحث منظور را ادا میکنند... *سال جامع علوم انسانی*

۴- بر اثر ترجمه و نقل افکار اروپائیان نه تنها تشبیهات تازه ای در زبان فارسی معمول شده که سابقه نداشته است تجسم اطوار افراد مورد نظر و توصیف مناظر با بیان جزئیات آن بسیار طرف توجه قرار گرفته و بعبارت دیگر مجسم ساختن وقایع که مورد نظر نویسنده غربی است با بیان خصوصیات آن اکنون نزد اکثر نویسندگان ایران معتبر است و جز بدین روش مطلبی نمی نگارند و جملاتی چون: «دوشیزه جوان سخن پدر خود را قطع کرده و بانگام مرموز و صورت برافروخته بدو نگریست» میآورند.

۵- چیزی که بر اثر ترجمه و آشنائی بدان‌ها مردم مغرب زمین برای زبان فارسی بطور قطع مفید واقع شده و نتیجه‌اش را انکار نتوان کرد پی بردن باصطلاحات و قوانین علمی و خصوصیات امراض و اصول اختراعات و اکتشافات و مباحث جغرافیائی و تاریخی و اقتصادی و دانستن روش تحقیق و شناختن حکومتها و قوانین ملل حیه عالم است و این قسمت چنان در فرهنگ ملی ما مؤثر واقع شده که اینک يك تن دانشجوی ایرانی با زبان معمولی خویش قادر به بیان اصول علمی دنیای متمدن و توضیح و تعلیل کلیه اکتشافاتی است که بشر طی قرون متمادی بر آن نائل شده است و این موفقیت عمده مرهون دروس اولیه دارالفنون و کوششی است که روزنامه‌ها و مجلات مهم قبل از مشروطیت در توضیح مسائل علمی و تاریخی و ادبی و طبی بکار برده‌اند و متأسفانه این مقاله گنجایش ندارد تا با آوردن نمونه‌هایی از مندرجات مطبوعات ایران در آغاز نهضت تجدد خواهی بپردازیم و کوشش آن رادمردان را در ترویج علم و ادب آشکار سازیم و بنشان دادن سبک نگارش آنان دست یازیم.

۶- مترجمان اولیه بواسطه عدم احاطه بزبان ملی خود و زبانی که از آن بترجمه پرداخته تعقیدات لفظی و معنوی بسیار در نثر فارسی وارد ساخته‌اند از آن پس جملات کوتاه و مفهوم جای خود را بعبارات دراز و بی‌سروین میدهد رعایت ازمنه در عبارت از میان میرود و افعال وصفی رواج مییابد و تشبیهات ناپسند و دور از ذهن مورد توجه قرار میگیرند ...

۷- آغاز مقصود بدون ذکر مقدمه و بیان منظور باروشی ابهام آمیز و ترك فاعل و آوردن فعل که شاید برای جلب توجه بیشتری عملی میشود از خصوصیات ترجمه و اثر کنونی آن در زبان فارسی است ...

۸- انتخاب نام مشاغل و حرف حتی اسامی افراد و نامهای خانوادگی از لغات اجنبی یکی از موارد ناپسند نفوذ زبانهای غربی در ادب و محاوره و زندقانی ملت ماست .

با اینهمه نباید فراموش کرد: در عصری که روزنامه‌ها بیشتر پابند ترجمه‌اند در دورانی که غافله‌ها از جوانان کشور پس از کسب دانش از دیار مغرب زمین برگشته و دستگاه علمی مملکت ما را بجزریان انداخته‌اند در دنیای متلاطمی که بر اثر مقتضیات زمان تهران پایتخت کشور ما مرکز اجتماع امم مختلف گردیده اگر از افراط و تفریط مترجمان تازه‌کار هم بگذریم بالطبع افکار و عادات مغربیان و زبانهای آنان روز بروز در سر زمین ما رواج بیشتری مییابد و دیگر پرده خفا و فراموشی و سد جدائی که زاده دوری راه و نبودن وسائط نقلیه در گذشته بوده از میان رفته است اکنون نباید انتظار استقلال فکری افراد ایرانی و بی شائبه بودن زبان ملی را داشت چه لغات نیز بحکم ناموس مجاورت و آمیزش و احتیاج خواه ناخواه وارد زبان ملل میشود منتهی باید وسیله‌ای برانگیخت که از زیاده روی جلوگیری شود مخصوصاً کار ترجمه بدست تازه‌کاران و کم مایگان نیفتد باید فرهنگ و سایر مراجع ذیصلاح مانع انتشار آثار ادبی بی ارج گردند خوشبختانه بعضی از رجال علم و ادب بیکار ننشسته و از دیر باز هر یک در ترجمه زنجها برده‌اند مردم نیز بواسطه رشد فکری اینک ذوق انتخاب دارند و سره را از ناسره جدا میکنند و بترجمه‌های ناقص چندان وقعی نمی‌نهند . . .

رتال جامع علوم انسانی

این نکته را نیز ناگفته نتوان گذاشت که پیدایش سبک کنونی علاوه بر نفوذ زبان و افکار بیگانه مرهون مساعی بعضی از نویسندگان ایرانی است که پس انقلاب مشروطیت بساده نویسی و عوام فهمی مطالب توجه کردند . . .

همه ابتکار دخو (مرحوم دهخدا) را در نوشتن مقالاتی تحت عنوان چرند و پرند میدانند و نوشته‌هایی را از او که با جملاتی بدین نسق شروع میشود خوانده‌اند :

« بعد از چندین سال مسافرت هندوستان و دیدن ابدال و اوتاد و مهارت در

کیمیا ولیمیا وسیمیا الحمد لله بتجربه بزرگی نایل شدم و آن دواى ترك تریاک است اگر این دوا را در هر يك از ممالک خارجه کسی کشف می کرد ناچار صاحب امتیاز میشد انعامات میگرفت در همه روزنامه ها نامش بزرگی درج میشد اما چکنم که در ایران قدردان نیست

از آنچه گذشت برمی آید که نهضت ساده نویسی از یکطرف - تأثیر ترجمه ها و افکار و طرز جمله بندی زبان های بیگانه و ارتباط زیاد با خارجیان از طرفی جنبش فارسی سره نویسی و خارج ساختن زبان ملی از حشو و زوائد لغات دخیل از طرف دیگر سه سبک ممتاز بوجود آورده که بطور خلاصه به بیان خصوصیات هر يك میپردازیم :

۱ - در روش ساده نویسی سعی میشود که بزبان توده در لباس حکایت بارعایت اصول دستور زبان مطالبی بنگارند و در همین زمینه کسانی میکوشند که در حدود توانائی علمی و ادبی و وسعت اندیشه خویش جملات را با واژه های ادبی و کلمات گوش نواز و زیبا و خوش آهنگ فارسی بیارایند و سجع و وزنی در نوشته های خود بشرط آنکه از دایره پارسی نگاری بیرون و تکلفی در کار نباشد بکار آرند .

۲ - سبک روزنامه نگاری است که مانند ترجمه های تازه کاران از خلال عبارات آن اثر تقلید از بیگانه بخوبی پدیدار و بکار بردن عمدی لغات اجنبی و طرز فکر آنان آشکار است در این شیوه جمله بندی غالباً غلط استعمال لغات بی جا و تشبیهات و استعارات نارواست و با يك نظر نفوذ غریبان را در آن بخوبی توان دید و فهمید

۳ - در برابر این دو دسته جمعی نیز بر آنند که باید بفارسی سره سخن نگاشت و تا تاب و توان داشت لغات عربی بخصوص را نادیده انگاشت اینان غافلند که زبان نیز مانند سایر قرار دادهای اجتماعی تابع قانون تکامل و ارتقا است و خواه

ناخواه بر اثر ارتباط با ملل جهان لغاتی در آن وارد میشود تنها فرهنگستانی باید که سدی در برابر افراط و تفریط باشد و خود شیوه‌های جهان پسند پدید آرد و مانع خودکامگی و بی بندوباری شود.

از آنچه گذشت سوانحی که طی قرون متمادی بر ادب و موسیقی وطن ما گذشته آشکار و تحولاتی که بمقتضای زمان در هنر ایران بوجود آمده پدیدار گردید و معلوم شد در عصر حاضر بر اثر ارتباط نزدیک با ملل مختلف جهان و تعمیم دانش و فرهنگ و تأثیری که اختراعات و اکتشافات نوین در طرز زندگی جهانیان بوجود آورده تنوع مضامین و نفوذ متقابل هنر ملل در یکدیگر موجب نزدیکی اندیشه‌ها و تا حدی یکرنگی و هماهنگی پدیده‌های روحی بشر گردیده و دامنه اختصاصات ملی را تنگ تر ساخته و هنر بطور اعم بصورت زبانی بین‌المللی بیرون آمده و در نتیجه ممکن است در جهان متمدن بوحدهت مطلق حکومت هنری نایل آئیم.

اکنون مبارزه دامنه‌داری که بین تجدد خواهان و کهنه پرستان در صدر مشروطیت در کشور ما بوجود آمده بود و هر دسته با خشونت تمام بتخطئه ساختن افکار و پندار و کردار و نوشته و گفتار فرقه دیگر می‌پرداختند جای خود را بنفوذ روزافزون اصطلاحات و ساخته‌ها و پرداخته‌های ملل دیگر داده و با این روش دیری نمی‌پاید که هنر ملی مادر شعر و نثر و موسیقی و نقاشی و حجاری و معماری در هنر بین‌المللی مستحیل میشود و همانطور که با اتحاد شکل البسه کهن از اندام مرد و زن ایل‌نشین ایرانی بموزه مردم‌شناسی انتقال یافت ممکن است بر اثر غفلت چنانکه بکرات می‌بینیم و می‌شنویم بجای داستانهای ملی در رادیو و تلویزیون و سینماها و تماشاخانه‌ها قصه‌های اجنبی و در عوض آهنگهای ایرانی با تار و تنبور و نی و کمانچه ترانه‌های فرهنگی با ساک فن و گیتار و ماندلین و ویلن اجرا شود گرچه ما منکر جبر زمان نیستیم و معتقدیم خواه ناخواه پرده استتار و خودکامگی برمیافتد

وساخته های روحی افراد در سراسر جهان رسوخ مییابد وهمه با تغییری که لازمه محیط زندگی است از آن برخوردار میشوند ولی بهر حال ما و هر فرد میهن پرستی باصالت هنر ملی خود علاقمند و معترفیم که نغمه و ترانه وساخته بیگانه تا با روحیات ملت ما تلفیق نیابد قابل تقلید نیست بهمین جهت بزعم نگارنده باید بی درنگ انجمنی از ادبای حقیقی کشور برپا شود و با رعایت تحولات زمان و انتظاراتی که نسل جوان و تمدن و فرهنگ رایج جهان دارد ضمن تشریح اصول لایزال ادبی و هنری گذشته و تعدیلی در قواعد و قوانین آن دو و تعیین روش پسندیده برای آینده حفظ و حراست سنن پایدار ملی را که هستی و بقای ما بدان پیوسته و رمز استقلال و سیادت ما بوجود آن بسته است با مقتضیات دنیا و پرورش و طرز پندار امروزی مردم ایران درهم آمیزند و سبکی دنیایسند بوجود آورند که هم مظهر گذشته درخشان هنر و ادبیات وهم پاسخ مطمئن و مستدلی برای انتظارات نسلهای آینده مردم سرفراز میهن ما باشد

(پایان)

دردونگاه

دو نگاهی که کردم همه عمر

نرود تا قیامت از یادم

نگه اولین که دل بردی

نگه آخرین که جان دادم

«آذر بیگدلی»